

**پرسش‌های
فقهی تعلیم و تربیت
و تأثیر و دانش آموزان**

گردآورنده: موسسه مطالعات تعالی نسل (متن)

با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

۷	سخن ناشر
۱۱	مقدمه
۲۱	اهتمام والدین به تربیت فرزندان
۶۵	سلامت محیط آموزشی فرزندان
۱۰۱	سلامت محتوای آموزشی فرزندان
۱۲۹	مقررات مدرسه و رفتارهای تحصیلی دانش آموز
۱۶۳	مسائل مالی محصلان
۱۷۹	پی نوشت
۱۹۵	پیوست: توضیح اصطلاح های فقهی
۲۰۱	فهرست منابع

وَقَدْ كَرِهَ

یکی از مهم ترین و اساسی ترین دین مبین اسلام، فراگیری احکام آن است. فهم درست احکام و عمل به آن، تعیین کننده ی سعادت انسان است. کسی که اسلام را برمیگزیند، باید برنامه های خود را در همه ی قلمروهای زندگی به طور کامل بپذیرد و رفتار و عملکرد خویش را مطابق با احکام دین تنظیم کند. برای این کار لازم است انسان مسلمان آن مقدار از احکام دین را که با آن مواجه است، بشناسد تا بتواند آن را در زندگی اجرا کند. قرآن کریم و روایات ائمه ی هدی علیهم السلام با تأکید بسیار بر این موضوع، همگان را به یادگرفتن احکام دین تشویق و ترغیب کرده اند و از ضررهای فراوان آشنا نبودن با احکام الهی برحذر داشته اند. مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

فرزندی دارم که دوست دارد مسائل حلال و حرام را از شما بپرسد و از من بپرسد.

که به او مربوط نیست، پرسش نمی کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

آیا بهتر از حلال و حرام سؤالی هست که مردم بپرسند؟^۱

علم فقه از مقدس‌ترین علوم ارزنده‌ی اسلامی، عهده‌دار بیان روش صحیح بندگی خداوند متعال و کیفیت صحیح آن است. این علم در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، پژوهندگان زیاد و رونقی چشم‌گیر داشته و مورد توجه بیروان دین بوده است؛ به‌ویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام که دانشمندان بسیاری در مسائل مختلف دینی و فروع احکام در محضر آن دو پی‌وای بگ شیعه پرورش یافتند.

در زمان حضرت ائمه علیهم السلام، خود امامان علیهم السلام عهده‌دار بیان احکام الهی بودند. هم‌زمان این روضه را به عهده‌ی اصحاب و شاگردان خاص خویش نیز می‌گذاشتند. ائمه علیهم السلام مردم را به مراجعه به اشخاص فاضلی مانند زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر و ابان بن تائب توصیه می‌کردند و آنان نیز مسائل حلال و حرام و احکام دین را در اختیار مراجعان می‌گذاشتند.

با فرارسیدن دوران غیبت امام زمان علیه السلام، استمرار بیان حلال و حرام و روشنگری برنامه‌های زندگی در جامعه، به نهادهای مع‌الشرایط واگذار گردید و موضوع فتوا و تقلید به‌طور گسترده‌ای رواج یافت.

احکام عملی دین بسیار گسترده است؛ زیرا همه‌ی اعمال انسانی‌ها را اعم از عبادی، اقتصادی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، قضایی، جنایی و... در بر می‌گیرد. درباره‌ی این دسته از احکام الهی، توجه به دو نکته لازم است:

۱. شاخه‌های علم متعدد است. ممکن است فردی در یک رشته مهارت فوق‌العاده‌ای داشته و از رشته‌ی دیگری بی‌اطلاع باشد. در نتیجه، انسان به حکم عقل باید در رشته‌ای که تخصص ندارد، به کارشناس همان

رشته مراجعه و از گفته‌ی او پیروی کند؛ مثلاً متخصص رایانه، هنگام مریضی باید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا با بیماری‌ها و روش معالجه‌ی آن‌ها آشنا نیست. از این رو، پیروی از گفته‌ی پزشک را بر خود لازم می‌داند. به‌طور کلی، برای انجام دادن هر کاری که راه و روش آن را نمی‌دانیم، به تجربه‌ی همان کار مراجعه می‌کنیم و راه و چاره‌ی آن را از متخصص همان حرفه می‌پرسیم. آشنایی با احکام شرعی و شناخت حلال و حرام الهی نیز به همین شیوه است. از این رو، باید به فقیه که تخصص و کارشناس احکام دین است، مراجعه کرد.

۲. فهمیدن و به دست آوردن مطالب و معارفی که در قرآن مجید و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بدان نیست و به تخصص و مهارت احتیاج دارد. تا کسی در ادبیات عربی و علمای مختلف اسلامی از قبیل تفسیر قرآن، درایه (حدیث‌شناسی)، رجال (شناختن راویان احادیث)، اصول فقه و... تخصص و مهارت نداشته باشد (اصلاً لا احق اجتهد و فقیه نباشد)، هرگز نمی‌تواند احکام خداوند متعال را از منابع دین استخراج کند. رساله‌ی توضیح المسائل، محصول عمر یک فقیه است که با تکیه بر تخصص خود و با زحمت‌های طاقت‌فرسا، آن را از منابع دینی استخراج کرده و در دست‌رس مردم گذاشته است.

با توجه به آنچه بیان شد، برای یافتن شیوه‌های زندگی منطبق بر آموزه‌های دینی، مراجعه به فقها و عالمانی که راه اجتهاد و فقه را از آن وسعت و گستردگی پیموده‌اند، لازم است. از این رو، مسئله‌ی تقلید از مجتهد، به حکم عقل و منطق ثابت می‌گردد. هم‌چنین معلوم می‌شود که تقلید به

معنای پیروی کورکورانه^۱ نیست؛ بلکه به معنای مراجعه‌ی غیرمتخصص در مسائل دینی، به متخصص است. می‌توان این حدیث از امام عسکری علیه السلام را مؤید این مطلب دانست:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ.^۲

و اما هر کس از فقها که صیانت نفس^۳ داشته باشد، حافظ و نگهدار دین الهی خویش باشد، با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع فرمان مولای خویش باشد، بر مسلمانان است که از او تقلید کنند.

اکنون با توجه به آن چه ذکر گردید، روشن می‌شود که اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر اساسی که به رتبه‌ی اجتهاد نرسیده‌اند و با ادله‌ی احکام آشنایی ندارند، جایز نیست و به مؤمنان واجب است در تمام احکام دینی و مسائل شرعی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد اعتماد، مراجعه کنند.^۴

یکی از زمینه‌های رشد و توسعه‌ی دانش فقهی، نیازها، پرسش‌ها و مراجعات مردم بوده است. آن بخش از فقه که پرسش‌های مردم در آن بیش‌تر بوده، بیش‌تر توسعه یافته است. گاهی برخی زمینه‌ها به دلیل اهمیت بیش‌تر، جداگانه نیز مورد توجه قرار گرفته و تدوین شده است.

۱. اسلام با تمام قوا با پیروی کورکورانه مبارزه کرده است و قرآن مجید نیز آن را یکی از ناپسندترین صفات انسانی معرفی می‌کند.

۲. وسائل الشیعه ۲۷: ۱۳۱، ح ۲۳۴۰۱. [پاورقی متن اصلی]

۳. مالک نفس خود و نگهدار آن باشد تا بتواند خویش را در مقابل هر گونه انحراف و کج‌روی از راه مستقیم و مسیر بندگی خداوند متعال، مصون و ایمن نگاه بدارد.

۴. برگرفته از: حسینی سیستانی، توضیح المسائل جامع ۱: ۳۸-۳۱.